

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیین

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کردیم مرحوم آقای نائینی تبعاً للشیخ معنای کشف حکمی را بیان کردند عرض کردم طبیعتاً در معنای کشف حکمی اتفاق نظر وجود ندارد چون اینها آمدند بین نقل که گفتند حسب قاعده است با کشف که از روایات است آمدند بین این دو تا جمع بکنند که طبعاً جمعش هم خواهی نخواهی مختلف می شود .

یک مقداری عبارات شیخ را گفتیم مرحوم نائینی را در اینجا به حساب ، ایشان معنای کشف حکمی را این گرفتند که اجازه چون تنفیذ عقد سابق است ناظر به عقد سابق است چون ناظر به عقد سابق است کشف به این معنا ، می گوید آن عقد از حینی که واقع شده درست است آن وقت از حینی که واقع شده جمله ای از آثار را می شود بار کرد مثلاً منافع داشته نمائی داشته می شود .

جمله ای از آثار دیگر قابل بار کردن نیست ، می گوید مراد از کشف حکمی این است که آن آثاری را که می شود بار کرد آنها را بار بکنیم آثاری که قابل بار کردن نیست نه دیگر . یکی این یکی اینکه نکته ای را در نظر بگیریم ببینیم چون تنفیذ عقد است عقد هم التزامی است که بین این دو طرف هست ، التزام . تنفیذ بکند آن مقداری که التزام شده است نه آن مقداری که شارع حکم می کند ، مثلاً شارع حکم می کند اگر ملک شما بود این کار را می توانیم بکنیم تنفیذ آنها را نمی کند ، تنفیذی که انجام می دهد نسبت به چیزی است که طرفین به آن قرار دادند. مثلاً اگر گاو را فروخت یعنی شیرش برای مشتری این دیگر هست دیگر ، اما اگر مثلاً کنیز را فروخت اینکه اگر بچه ای را به دنیا آورد بچه ی او باشد و یا ام ولد بشود این حکم شرعی است این در التزام طرفین نیست اینها را ما خارج بکنیم .

پس بیایم این طور بگوییم مراد از کشف حکمی این است لذا ایشان اینطور می فرمایند

فعلى هذا يجب ان تكون الآثار التى ترتب على العقد بسبب الاجازة خصوص الآثار التى التزم بها المتعاقدان ، خصوص آن آثاری که هر دو متعاقد به اصطلاح به آن ملتزم شدند ، آن آثار را بار بکنیم . بلکه ما عرض کردیم حتی مجیز هم می خواهد اجازه بدهد آن نگاه بکند که چه چیزی را می خواهد اجازه بدهد ، عرض کردیم یک اختلافی که ما با آقایان پیدا کردیم سر این قسمت است اگر ما عقد فضولی را کما هو المشهور قبول بکنیم ، البته این مشکل عقد فضولی هست دیگر ، لکن آقایان آمدند از این راه حلش کردند چون یکی دو تا روایت بوده است .

عرض کردیم روایت محمد بن قیس و واقعا هم برای ما تعجب آور است یعنی انصافا اولاً شرح مفصلی دادیم که کتاب سنن و احکام و قضایا خیلی بین اهل بیت مطرح نشده است ، این کتاب در کوفه بوده است در حالا بعد از خلافت امیرالمؤمنین خلافت ظاهری یا در ایام ایشان ، حالا برای چه کسی بوده برای ابو رافع بوده برای پسرش بوده ، نوه اش بوده نمی دانم آن حارث بن عبدالله اعور بوده یا برای خود امیرالمؤمنین بوده است ؟

این کتاب را بعدها ظاهراً تا آنجایی که ما الان خبر رسمی داریم زمان امام باقر به مدینه آوردند ، چون یک روایت واحده من دیدم الان سندش در ذهنم نیست ایشان هم که دستگاهشان خاموش است ، در آنجا امام می گوید کیف اقول هذا و فی کتاب علی اینطور دارند امام باقر ، کیف اقول هذا و فی کتاب علی

یکی از حضار : این همین کتاب علی است ؟

آیت الله مددی : همین کتاب علی است .

لذا عرض کردیم کتاب علی دو تا بوده یکی کتاب علی که در کوفه بوده بعد به مدینه آمده یک کتاب علی که نزد اهل بیت بوده آن معیار امامت بوده آن اصلاً در دسترس عامه نبوده است آن کتاب اگر نزد کسی بود یعنی امام است ، آن

یکی از حضار : احکام هم داشته ؟

آیت الله مددی : احکام هم داشته ، حتی در روایت دارد که عرش الخط ، آن مصحف فاطمه احکام نداشته است ، قضایای اجتماعی ، تاریخی ، چه خواهد شد ، اوضاع چه خواهد شد آنها را بیان کرده است ، اما کتاب علی احکام را داشته است .

یکی از حضار : در بحث طلاق است ؟

آیت الله مددی : نمی دانم کجاست بحث الان .

یکی از حضار : سألت عن رجل طلق امرأته

آیت الله مددی : سندش را از اول بخوانید

یکی از حضار : ما رواه محمد بن احمد بن یحیی عن محمد بن حسین عن محمد بن

آیت الله مددی : اگر به اسم محمد بن احمد شروع کرده خوب قاعدتاً از تهذیب شیخ باید باشد .

یکی از حضار: این استبصار است .

آیت الله مددی: استبصار و تهذیب یکی است ، بله تهذیب شیخ . اما اگر کلینی باشد سند می آورد ، بفرمایید .

یکی از حضار: سألته عن رجل طلق

آیت الله مددی: عن محمد بن احمد بن یحیی ؟

یکی از حضار: عن محمد بن الحسین عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام

آیت الله مددی: بعید است محمد بن مسلم ، مسلم را دیده باشد

یکی از حضار: ابی الخطاب منظور است ؟

آیت الله مددی: بله

یکی از حضار: چطوری بعد از او نمی شود

آیت الله مددی: نه بعید است ابو الخطاب متوفای ۲۶۱ است ایشان متوفای ۱۵۰ است بعید است نمی خورد

یکی از حضار: یک طبقه در وسط هست

آیت الله مددی: به نظرم یک کسی در وسط افتاده باشد .

لکن این مشکل را هم ما همیشه عرض کردیم آن را که خود من به این نتیجه رسیدم در این جور موارد حالا که نمی خواستیم روایت را بخوانیم مشکل منشأش احتمالا کتاب نوادر الحکمة باشد ، چون خود کتاب ضعیف است خود کتاب غیر از اسنادش و روایتش و اینها به لحاظ کتابتی درجه‌ی دو و سه ، سه و چهار است ، اصلا خود کتاب ضعیف دارد . احتمالا در نسخه‌ی ایشان ، اگر از نسخه‌ی دیگری نقل کرده باشد شاید اسم آورده باشد ، اگر این نسخه نقل کرده این نسخه الان سقط دارد ، اگر نسخه فقط همین است بعد ببینید تخریج نکرده روایت را از جای دیگر ؟

یکی از حضار: تهذیب نه فقط همین تهذیب و استبصار است ، وافی و وسائل هم

یکی از حضار: اصلا ممکن است منفردات شیخ باشد .

آیت الله مددی: ظاهرش از منفردات شیخ است دیگر.

یکی از حضار: روایت دیگری در کافی در بحث متعه آمده که حضرت امام باقر فقال هی فی کتاب علی علیه السلام

آیت الله مددی: بله آن کتاب علی احتمالا همان است که معیار امامت است زیاد داریم از آن

یکی از حضار: شمشیر و اینها

آیت الله مددی: آن جفر احمر بوده شمشیر جفر، جفر هم در اینجا پوست بزغاله است، پوست قرمز رنگی بوده، پوست سفیدی بوده

بز یکساله را جفر می گفتند، ظاهرا دو تا بقچه مانند بوده است یکی اش سفید بوده رنگ پوست بز این درش همین کتاب علی و دوسه تا کتاب امیرالمؤمنین و قضایا، یکی اصلا پوستش قرمز بوده سپر و سلاح رسول الله و زره رسول الله اینها در آن بوده است، جفر احمر، احمر نه به لحاظ، جفر احمر به لحاظ رنگ پوست آن بزغاله ظاهرا آن باشد.

یکی از حضار: جفر را می گویند علم بوده است.

آیت الله مددی: اشکال ندارد کتاب بوده است، بله کتاب بوده اما یک جفر دیگری در اصطلاحشان یک کتابی بوده که ائمه مثلا در آن

نظر می کردند و آن مثلا تمام حوادث را از آن می فهمیدند

یکی از حضار: ان لنا صحیفه

آیت الله مددی: آن در کتاب تعبیر جفر این را هم دارند آن حتی این فقیه زیدیه نزد من بود ایشان گفت ما هم داریم که این جزو خصایص

ائمه است یعنی، مساله ی آن جفر، آن یک جفر دیگری است این را حتی سنی ها هم نسبت دادند ما در بحث همین جفر متعرض شدیم که حتی در کشف و ظنون هم دارد اگر در کشف و ظنون نگاه کنید جفر را به امام صادق نسبت داده است، این کتاب کوچکی بوده چیزی بوده رموز بوده از آن رموز درمی آوردند مطالب را این را داریم ما.

حالا به هر حال، کیف اقول هذا و فی کتاب علی عمده اینجا است این که محمد بن حسین که خیلی خوب است از محمد بن مسلم

خیلی بعید است بفرمایید.

یکی از حضار: سالتة عن رجل طلق امرأته تطبیقة علی طهر ثم امسکها فی منزله حتی حابت حیضتین و طهرت ثم طلقها تطلیقتین علی

طهر، قال هذه اذا حاضت فلا تحيض من يوم طلقها التطلیقة الاولى فقد حلت للازواج ولكن كيف اصنع او اقول هذا و فی کتاب علی علیه

السلام ان امرأة اتت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقالت يا رسول الله افتنى في نفس فقال لها فيما افتيك قالت ان زوجي طلقني وانا طاهر ثم امسكني لا يمسنني حتى لا طمشت وطهرت طلقني تطليقة اخرى ثم امسكني لا يمسنني الا انه يستخدمني ويرى شعري ونحري وجسدي حتى اذا طمشت الثالثة وطهرت طلقني التطليقة الثالثة فقال لها رسول الله صلى الله عليه وآله ايتها المرأة لا تزوجي حتى تحيضی ثلاث حيض مستتفات فان الحيض التي حضتيها وانت في منزله انما حضتيها وانت في حباله .

آیت الله مددی : خلاف ظاهر است این .

این کتاب علی به نظر من همین است ، همین کتاب علی که در کوفه بوده و این روایت که خوب خیلی یعنی عجیب و غریب است یعنی انصافا فقط یک نکته از این روایت در می آید و آن اینکه اگر مالک اصلی اجازه نداد رد کرد آن به حساب بیع به هم می خورد و آثاری هم که داشته برمی گردد به مالک آن کنیز برگشت و بچه هم آزاد شد و الی آخره ولكن بعد از اینکه رد کرد باز دو مرتبه اجازه داد گفت حالا که اجازه داد هم بیع درست است و هم آن کنیز که به این مشتری برمی گردد و بچه ی مشتری هم هست .

یعنی همین مقدارش شاید به درد باب فضولی بخورد همین یکی و الا اصلا یک تصور سختی است یعنی حتی انسان تصور می کند که این اصلا حالت فضولی نبوده ادعای فضولی شاید بوده و الا این در سفر بوده ولیده را فروخته این ولیده مدتی نزد ایشان بوده تا حامله شده تا به دنیا آمده تا بچه شده تا اوضاعی شده این از سفر آمده و اصلا تصور خارجی اش خیلی مشکل است با آن تصوراتی که ما داریم بعد هم مثلا رد بکند چون اگر رد کرد مسلما اجازه ی بعد از رد نافع نیست دیگر بعد هم به امام بگوید آقا این را چه کار بکنم ، امام می گوید برو بچه ی او را بگیر ، حکم خیلی عجیب و غریب است ، گروگان گیری ، برو بچه ی او را بگیر تا بچه ی تو را رها بکند . این اجازه هم روی اجازه ی واقعی نبوده است بچه اصلا ، خیلی بله آقا ؟

یکی از حضار : عجیب است .

آیت الله مددی : خیلی سر و ته عجیبی دارد روایت .

اصلا یک چیز غریبی است یک چیز ، از آن طرف هم هر سه مشایخ نقل کردند این هم خیلی عجیب است . آخرگاهی اوقات یک مطلب خودش فی نفسه عجیب است یک دفعه با ملازمات و لوازمش خیلی عجیب است .

یکی از حضار : اگر نبود روی فضولی نبود ؟

آیت الله مددی: نمی دانم روی اصلا ، چیز غریبی است یعنی این روایت انصافا یعنی ، مثلا چون اینها خیال می کردند به امیرالمؤمنین قضایای عجیبه ای نسبت دادند که مثلا قاضی عادی نمی توانسته انجام بدهد انصافا هم ما هر چه فکر می کنیم این روایت را مگر اینکه بگوییم قضیه فی واقعه یا امیرالمؤمنین می دانستند که این دروغ می گوید این سفر نبوده مثلا یک چیز این جوری مثلا و چون در مقام قضاوت بودند سعی کردند یک کاری بشود که از همین مقامات ظاهری استفاده کنند و الا اینکه خیلی عجیب و غریب است اصلا نحوه ی خود عقد

یکی از حضار: آن بچه هم مقصر بوده ها چون بدون اجازه ی پدرش ، یعنی مال هم داده بوده به مشتری ، پس تصرف در مال پدریک جرمی هست که یعنی مقصر حکم تکلیفی هم ظاهرا داشته

آیت الله مددی: حالا بچه هم آن کار را کرده اصلا نمی دانم اصلا دقت می کنید انصافا من هر چه امروز هم دو مرتبه باز نشستم فکر کردم که این روایت را چه کارش بکنیم فعلا سر در نیاوردیم ، فعلا که نتوانستیم مگر اینکه بگوییم حتما این جزو قضایای خارجیه بوده همین طور که کرارا عرض کردیم دارای یک ملازماتی بوده لوازمی بوده ملازماتی بوده که به ما نرسیده است ما اطلاع کافی از اطراف قضیه و خصوصیات قضیه نداریم و الا انصافا خیلی روایت عجیبی است .

فقط از آن دو تا نکته در باب فضولی در می آید یک : اگر رد کرد عقد فضولی از اصلش خراب است این هم برمی گردد به او ، بچه هم ، همه چیز به هم می خورد ، اگر اجازه داد از اصلش درست است باز زن که به او برمی گردد کنیز ، بچه هم بچه ، یعنی این قسمتش تقریبا سالم است فقط یک قسمتش .

یکی از حضار: اجازه ی بعد از رد هم فرمودید درش هست .

آیت الله مددی: درش اجازه ی بعد رد هم دارد که قبول نمی شود .

نه از آن بدتر امام می گوید تو برو بچه ی او را بگیر تا او بچه ی تو را رها بکند ، خوب این خیلی عجیب و غریب است یعنی ، خوب بچه ی او را بگیر تا بچه ی تو این باید اثبات بشود که این بچه ی من است می گوید من اجازه ندادم چطور می شود بچه ی او باشد ؟ دقت می کنید چه می خواهم بگویم ؟ باید اثبات بشود که این بچه ی اوست آخر ، می گوید لا ارسل ابنک حتی ترسل ابنی ، می گوید من اجازه ندادم این بچه ی تو نیست اصلا . یعنی می گویم یک جهت روایت نیست که به هم پاشیده است ، یک چیز عجیبی است یعنی واقعا یک

مطلب غریبی است مگر بگوییم که خیلی از روایت حذف شد است ، یک نکاتی در روایت موجود بوده چیزی بوده و لذا جزو قضایای عجیبه ی امیرالمؤمنین است که مثلا ما روی قواعد از آن سر در نمی آوریم و بعدش هم خودش تصور موضوعش هم عجیب است .

یک بیع فضولی واقع بشود مثلا دو سال طول کشید تا این صاحبش خبر دار ، اصلا تا ازدواج کرد و بچه دار شد و بعد این بچه بزرگ شد و بعد هم تعبیرش این است که حتی ترسل ابنی تا بچه ی من را بفروستی شاید بچه هم یک ماهه ، دو ماهه نبوده مثلا چهار ، پنج ساله بوده بچه بیاید خانه . اصلا تصور یک عقد فضولی در این مدت طولانی تصور موضوعش هم عجیب و غریب است نه تصور حکمی اش . اصلا تصور موضوع خارجی اش هم خالی از تعجب نیست .

آن روایت ارسل صغیرها هم اصلا عرض کردیم آن مربوط به این نیست آن چون ولین هستند فضولی نیست اصلا ، آن که اصلا در فضولی نیست ، آن که اصلا از فضولی خارج است . حالا مگر اینکه بگوییم اجازه ای که بعد می دهد به حکم فضولی ، مثلا به حکم اصیل که در فضولی ، مالک که در فضولی و الا آن که ربطی به فضولی اصلا ندارد .

علی ای حال یک مشکلی ما داریم یعنی یک مشکل کلی و من یک احتمالی دادم سابقا چون عرض کردم اجمالا شاید این بحث فضولی که آمده به کوفه مثلا روی مبنای تعهد بوده است ، مبنای تعهدی که داشتند نه روی مبنای تملیک ، اگر روی مبنای تملیک بود اصلا باید می گفت این باطل است عقد فضولی کلا باطل است چون تملیک نمی تواند بکند همان که شافعی گفته است .

اینکه امثال ابو حنیفه گفته عقد فضولی ، چون ابو حنیفه در آن نکته ی دیگری هم که با مبنای تعهد است کل مبیع تلف قبل قبضه آن هم با تعهد می سازد خوب ، آن هم با مبنای تعهد می سازد .

یکی از حضار : آنجا چه گفته است ؟

آیت الله مددی : آن هم گفته فیه من مال صاحبه ، آن دارد از ابو حنیفه دارد ، فقهای ما هم دارند حالا یا از او گرفتند ملتفت نشدند اما بین علمای فعلا اجماع است یعنی اتفاقی است مساله کل مبیع تلف

یکی از حضار : روایت که نیست که ؟

آیت الله مددی : نه روایت نیست .

یکی از حضار : یعنی روایت دیگری که دال بر این معنا باشد نیست ؟

آیت الله مددی : نه

یکی از حضار: خیلی عجیب است .

آیت الله مددی : بله خوب .

یادم می آید من یک وقتی حدیث قاعده‌ی علی الید را می‌گفتم و شرحش دادیم یکی از طلبه‌ها بود که حالا مدتی است ، چند سالی است دیگر درس تشریف نمی‌آورند ، چند سال بود می‌آمد بعد از چند ماه بعد از دو هفته ، سه هفته گفت آقا من واقعا تعجب کردم من بعد از گفتن شما خیلی مراجعه کردم این حدیث فقط یک سند دارد یک جا دارد در کتب اهل سنت آن هم از حسن بصری آن هم از سمره بن جندب که آن هم آدم خبیثی است و این چطور این طور در بین فقهای ما این جور آثار و این جور تلقی به قبول و شهرت و شهرت جابر ضعیف سند و الی آخره ، گفت هر چه من دارم فکر می‌کنم مغز من به جایی نمی‌رسد .

من عرض کردم ، نه اصلا حالا این باز بالاخره روایت در کتاب کافی آمده در تهذیب آمده آن اصلا نیامده در کتاب مبسوط شیخ آمده آن فتوا ، آن روایت ، آن بحثی که دارد که به اصطلاح نقل کرده علی الید در خلاف و در مبسوط است اصلا کتب قبل اصحاب ما ندارد کلا کسی از کتب اصحاب ما ندارد ، مخصوصا در کتب اصحاب نیست ، حالا این اقلا در کتب اصحاب هست در کافی هست خیلی عجیب است یک روایت عجیبه‌ای است اصلا .

آیا این در واقع در کوفه ، چون ما کوفه را اهل سنت شبهه‌ای داشتند در اینکه مثلا مسیحیت یا یهود یا مزدکی‌ها یا مانوی‌ها یا زرتشتی‌ها نفوذی در کوفه داشتند به خاطر ایرانی‌ها چون این‌ها ایرانی بودند اول که ، و ارتباطشون با حیره که با فرهنگ یهود و مسیحی و بعد هم که ترجمه‌ی آثار مثلا جابر بن حیان را به کوفه نسبت داند ترجمه‌ی آثار علمی یونانی هم که آمد از کوفه است ، آیا واقعا این مطلب ، مثلا شافعی چون نیست تاثیر ندارد ، شافعی می‌گوید عقد فضولی باطل است ، یعنی از آن جایی که مبنا عوض شد به جای تعهد قائل به تملیک شدیم گفتیم اصلا عقد فضولی چون مالک نبوده بیخود اصلا می‌گوییم عقد فضولی باطل است ، اگر این آثار و کشف حکمی و کشف حقیقی و کدام آثار مترتب بشود و کدام آثار مترتب نشود .

فقط آنچه که الان در مقابل ما قرار گرفته همین روایت محمد بن قیس است چون روایت عروه‌ی بارقی که عرض کردیم خود اهل سنت نوشتند ایشان وکیل بودند از طرف پیغمبر آن که عروه‌ی بارقی که هیچ آن که جای خودش یک چند تا روایت ایشان به عنوان موید از ابواب مختلف که همان آقایان هم مناقشه کردند همان روایت را هم خواندیم ، در آن هم مناقشه کردند ، آن که صریح است همین روایت

محمد بن قیس است و این هم یک نسخه ای است که عرض کردیم در کوفه نوشته شده متأسفانه بعد آمده عاصم بن حمید قسمت قضایایش را، احتمالاً عاصم بن حمید کل کتاب را شنیده احتمالاً و کسانی دیگری هم شنیدند فقط ایشان نیست.

ولکن عاصم بن حمید احتمالاً زمان امام صادق با امام صادق که صحبت کرده آن سنن و احکام را قبول نکردند لذا ایشان بخش سنن و احکام را نقل نمی کند خیلی کم داریم از ایشان، شاید امام بخش قضایا را اضافه می کند از این جهت این بخش قضایا بین اصحاب ما جا افتاد.

لکن بخش قضایایش را باید حمل بر قضایای، قضیه فی واقعه بکنیم، استفاده ی حکم شرعی خیلی از آن مشکل است، انصافاً و بعد هم به این آثار که خوردند مخصوصاً در این آثار وطی و اینها چون در آنجا اصلاً ممکن است بگوییم که در مثل جاریه حالا بر فرض ما فضولی را قبول کردیم در مثل جاریه حق ندارد اصولاً به اصطلاح مباشرت بکند تا ملک تمام بشود اجازه بیاید، قبل از اجازه. اگر هم نمی دانسته که فضولی است فوqش می شود وطی به شبهه یعنی این آثاری که بحث کردیم تمام این آثار زیر سوال می رود، تمام این صحبت هایی که این آقایان کردند و اگر وطی به شبهه شد پسر جزو، یعنی مادرش ام ولد نمی شود آثار ام ولد ندارد و الی آخره.

غرضم این است که نمی دانیم واقعا متحیریم در اینکه این روایت را چه کار کنیم این روایت مثلاً تایید شده باشد لکن چون هر سه مشایخ نقل کردند و چون روایت فوق العاده با قواعد مخالف است فوق العاده هم به لحاظ تصور موضوعش خلاف متفهم عرفی است، یک کسی کنیزی را بگیرد، چهار، پنج سال نزدش باشد بعد صاحبش بیاید بگوید آقا این فضولی بوده است و آن کنیزک هم بچه دار شده است، خیلی عجیب است یعنی واقعا یک چیز تصور خارجی اش هم خارج از مشکل نیست، احکامی را هم که بار کرده خارج از مشکل نیست مگر همین بگوییم فقط تعبد صرف است.

آن وقت تعبد صرف هم شد این در همین مقداری که تعبد صرف آمده قبول کنیم بیش از این قبول نکنیم.

یکی از حضار: عنوان باب کافی چه بوده که از محمد بن قیس را به چه عنوان آورده است؟

آیت الله مددی: یادم نیست الان عنوان بابش، عنوان باب الان یاد من نیست، دقت کردید؟ ان یاخذ الولیده بولدها، ولیده بابنها، من الان در ذهنم نیست.

علی ای حال ایشان کشف حکمی را مرحوم نائینی به ذهن ما می آید اگر بنا باشد کشف، یعنی اگر بنا باشد اجازه را قبول بکنیم بیع فضولی اجازه باید کاشف باشد. چون اجازه به آن می خورد، نهایت این را قبول بکنیم در خصوص اجازه وقتی می خواهد اجازه بدهد عقد

.....
را می خواهد بگوید به او بگوئیم این عقد در این مدت ، مثلا دو روز است ، سه روز است ، چهار روز است واقع شده نه به او بگوئیم هم به او هم به فضولی هم به اصیل ، مشتری ، بگوئیم آقا این جور بوده این جور شده این برای این خودش نبوده است و شما که الان می خواهید اجازه بدهید این نکات را در نظر بگیر ممکن است بگوید آقا من سه روز شیرش را خوردم پول شیر را می دهم ممکن است مشتری بگوید من قبول ندارم آقا من خود شیر را می خواستم چرا پول شیر ، من باب مثال می خواهم بگویم .

یعنی اگر بنا باشد کاشف باشد کاشف از آن است که التزام دادن باید دنبال آن برویم ، همین که ایشان می گوید التزام مجیز ، التزام متعاقدين ، التزام المال ، نه التزام اطراف ثلاثه ، بله التزامی که فضولی داده چون مالک نیست مع ذلک از او پرسیدیم که چطوری مثلا عقد را انجام دادید ، چه کاری کردید ؟ بعد به این مشتری بگوئیم آقا شما این گاو را سه روز است خریدید ایشان شیرش را خورده ، حاضری که یعنی به ذهن می آید که اگر ما قائل به کشف بشویم که کشف ظاهرش هم کشف است و اجازه تاثیر گذار است باید با تمام خصوصياتی که برایش بار شده حساب بکنیم نه یک خصوصیت واحده .

مضافا به اینکه عرض کردم این شبهه خیلی قوی است که این اصلا مبحث فضولی که درست شده روی مبنای تعهد درست شده نه روی مبنای تملیک اگر مبنای تملیک باشد اصلا کلا باطل است چون مالک نبوده است .

یکی از حضار : باب شراء الرقيق

یکی از حضار : حالا شاید این موضوع بیع فضولی را فقط در همین مورد خاصش ، چون اصلا عنوان هم زده شراء عبد

یکی از حضار : کتاب المعیشة باب شراء الرقیب در کافی است ولی در من لا یحضر باب البیوع

آیت الله مددی : باب چه آقا ؟

یکی از حضار : باب البیوع

آیت الله مددی : همان است معایش جزو کتاب المعیشة

یکی از حضار : کتاب المعیشة بله ، تهذیب هم باب ابتیاع الحيوان کتاب التجارة

آیت الله مددی : چون کنیز را حیوان حساب می کنند عرب ها .

اما انصافاً من وقتی قضایای عبد و کنیز را می‌خوانم خیلی حالم به هم می‌خورد خیلی هم دلم نمی‌خواهد متعرض بشوم دیگر دلمان می‌خواهد همین جور .

غرض به ذهن من می‌آید ما بر فرض عقد فضولی را یعنی آن که الان فقط تنها عقبه‌ای که مقابل ما قرار دارد ، البته شواهدی را که من اقامه کردم کسی نگاه نکند شاید واضح باشد که این حدیث مشکلات فنی دارد و احتمالاً تحت تأثیر یک محیط خاصی در کوفه بوده است البته این بوده که اجمالاً این کتاب مطرح شده و اجمالاً اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین خیلی به این کتاب مراجعه نکردند .

یکی از حضار: عنوان کافی نمی‌رساند که این باب خاص اصلاً بیع عام هم نگفت ، فضولی همه جا ندارد ، لا اقل بیع رقیق اینجوری بوده است .

آیت الله مددی: نه خاص ، عنوان خاص از آن در نمی‌آید .

علی ای حال ما در مورد این مطلب اشکال داریم این کشف حکمی را هم به این معنا یعنی به شما تو می‌خواهی اجازه بدهید سه روز این گاو را فروختی می‌خواهید اجازه بدهید می‌خواهید چه کار کنید شیرش را خوردید بعدش هم این یک ، دو : به مشتری هم بگوییم آقا این شیرش را خورده است تو قبول دارید این گاو را ممکن است مشتری بگوید من نمی‌خواهم اصلاً من چنین گاوی را نمی‌خواهم ، من می‌خواستم شیرش برای من باشد ، من پولش را نمی‌خواهم .

پس بیا بیم کشف حکمی را این جوری معنا کنیم ، طبق این تصور من ، آن آثاری که می‌شود بارکرد راحت بار بکنیم ، طبق التزام طرفین آن آثاری که نمی‌شود بارکرد در آنجا بگوییم دیگر عقد به هم بخورد ، دیگر اجازه تأثیرگذار نیست ؛ این جوری مگر تصور کنیم یا تصور کنیم که عقد فضولی کلاً باطل است اصلاً کلاً اگر تملیک و نظریه‌ی تملیک را قبول کردیم عقد فضولی را کلاً باطل حساب کنیم .

لکن به خاطر عمل اصحاب به خاطر روایت قائل بشویم به کشف یعنی اجازه غیر از کشف معنا ندارد چون اجازه ناظر به عقد سابق است و طرفین هم می‌خواهند آن التزام سابق را قوی بکنند در فکر نیستند که از الان التزام بدهند در فکر نیستند نقل ، در فکر نیستند که از الان التزام بدهند ، همان التزام سابق را می‌خواهند محکم بکنند ، روشن شد ؟

پس لذا به ذهن من می‌آید که مراد ما از کشف حکمی را این بگیریم که وقتی می‌خواهد اجازه بدهد همین طور که ایشان فرمودند باید ببینیم دو تا متعاقد اصلی یعنی متعاقدین اطراف قضیه این سه نفری که هستند عقد را چگونه واقع کردند این آقا چه کارهایی کرده ، می‌خواهد

اجازه بدهد آن مشتری با این کارها قبول می کند یا قبول نمی کند اگر ما باشیم و طبق قاعده این طور است دیگر باید کشف حکمی را این بگیریم نه اینکه فقیه بیاید آثار را دسته بندی بکند التزام آنها را باید ببینیم چیست شرح التزام ، تصمیم گیری

یکی از حضار : قضاوت پس می شود

آیت الله مددی : نه قضاوت نیست بگوییم آقا شما چه کار کردید مثلاً اگر فرض کنید گاو را به آن آقا فروخت و این آقا به عنوان خرید بعد از پنج روز هم گاو تلف شد بعد به او گفتند خواست اجازه بدهد بگوییم در اینجا غیر از اجازه دادن رد نمی تواند بکند ، چون ایشان گفت تلف قبل قبضه قبض صحیح گفت قبضی که باید درست باشد این از کجا ایشان در آوردند ، بالاخره گاو را به این آقا دادند این آقا هم گاو نزدش بوده تلف هم شده نزدش قاعده ی ید هم که باشد همین است خود قاعده ی هم همین است نزد او تلف شده است . دیگر اگر بخواهد اجازه بدهد یعنی غیر از اجازه رد نمی تواند بکند چرا چون اگر رد کرد باید بدل ، انتقال به بدل دلیل می خواهد آخر .

آن که التزام درش بوده همان بوده است آن وقت لذا این معنایش این است که در بعضی از موارد فقط رد است در بعضی از موارد فقط اجازه است یعنی مواردش فرق می کند و آثارش فرق می کند کشف حکمی را به این معنا بگیریم کشف هست اما به اصطلاح آثار و این آثار را هم به حساب التزام افراد حساب بکنیم نه فقیه بیاید بگوید این آثاری که الان ممکن ترتب ، لا یمکن این کار فقیه نیست .

بله اگر در جایی گیر کرد و مساله گیر کرد برگردد به اصالة الفساد و حکم بکنیم که اصلاً معامله فاسد است ، چون باید احراز صحت معامله بشود و بعضی از آثار را حتی مثل وطی را هم ابتدائاً بگوییم تا ملک تام نباشد وطی نکند مگر اینکه جاهل باشد ، جاهل باشد می شود وطی به شبهه .

یعنی اصولاً ما تمام این آثار را از راه همین بحث فضولی حل نکنیم ابواب دیگر فقه هم هست آنها را هم لحاظ بکنیم .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين